

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: راینهارد فانک (Reinhard Funk)  
ارسالی: حزب مارکسیست – لنینیست جرمنی (MLPD)  
برگردان: متین کوشا  
۰۷ اکتوبر ۲۰۲۳

## بن بست ناسیونالیسم خرده بورژوائی "نوئل بامن"

(۲)

مترقی نامیدن دولت ایران؟ آیا مبارزه علیه فاشیسم، تجزیه مقاومت است؟

"نوئل بامن" با شعار "علیه تفرقه و افتراء به مقاومت فلسطین" به موضع ضد فاشیستی "ام ال پی دی" و اکثریت جنبش همبستگی با مبارزات آزادیبخش فلسطین حمله می کند: "وقتی که بخش بزرگی از جنبش همبستگی با فلسطین در المان، اگر چه نه حتی اکثریت، حماس و جهاد اسلامی را طرد می کنند، کاری نمی کنند به جز اعمال سیاست تفرقه. آنها بدین ترتیب در زمین اسرائیل و امپریالیسم المان در مشروعیت زدائی از مقاومت فلسطین و سرکوب فلسطینیان در این سرزمین بازی می کنند".

چشمان خود را می مالید: از چه زمانی نیرو های فاشیستی مانند "جهاد اسلامی" که ارتباط تنگاتنگی با ایران دارد، به فکر رهائی مردم و حتی ترقی اجتماعی بوده اند؟ "نوئل بامن" در توهم خود نکته اصلی را مخالفت علیه اسرائیل - صرف نظر از طرف مخالف - می داند و حتی تا آنجا پیش می رود که صراحتاً یک "دولت اسلامی" را مترقی توصیف می کند. در ایران می توانید ببینید که چنین نیرو های فاشیستی چه توانائی هائی دارند و چنین قضاوت نادرستی چه عواقبی می تواند داشته باشد.

هنگامی که شاه و اعوان و انصارش در سال ۱۹۷۹م با توجه به شرایط حاد انقلابی از کشور گریختند، خمینی با حمایت دولت فرانسه به آنجا منتقل شد. او توده ها را با عبارات مذهبی فریب داد، مطالبات اجتماعی را به شکلی ساختگی مطرح کرد، از انقلاب و «جمهوری اسلامی مستضعفین» صحبت کرد. او به ویژه علیه امپریالیسم منفور امریکا انتقاد کرد و از این طریق انقلابیون و چپ هائی را که او را ضد امپریالیست می دانستند، سردرگم کرد. حزب روبریونیست "توده" حتی در ۹ حوت/اسفند ۱۳۵۷ خواستار رفراندم برای رأی «آری به جمهوری اسلامی» شد. سازمان های مختلف مارکسیست - لنینیستی تحت تأثیر ستراتژی ضد انقلابی «تئوری سه جهان» (۷) که توسط حاکمان جدید چین پس از مرگ مائو تسه دون اعلام شد، از خمینی حمایت کردند. در حالی که خمینی و دار و دسته اش ابتداء برای وقت خریدن، تحکیم قدرت و ایجاد یک رژیم فاشیستی، امتیازاتی دادند؛ سپس با نیروی وحشیانه ضربه زدند. رفقای "حزب رنجبران ایران" گزارش می دهند: "پذیرش «تئوری سه جهان» عواقب ویرانگری داشت: پس از دو سال تقریباً کل

سازمان حزبی منحل شده و بیشترین تعداد از رفقاء پراکنده شدند. در مجموع ۴۰۰۰۰ نفر تحت دیکتاتوری خونین خمینی، اغلب تحت شکنجه های ظالمانه قرار گرفته، بخش بزرگی از آنها جان شان را از دست دادند. آنها انقلابی و مارکسیست - لنینیست بودند".

این ها مشت نمونه خروار، بیانگر خصلت مترقی «جمهوری اسلامی» فاشیست اند. در این میان، ایران به یک کشور جدید امپریالیستی تبدیل شده است که بشدت برای برتری در منطقه، در رقابت با اسرائیل امپریالیستی و دیگر کشور های امپریالیستی جدید مانند عربستان سعودی یا ترکیه، در کشور های دیگر منطقه می جنگد و در کشور خود قیام ها و مبارزات کارگری و تمامی نیرو های مخالف را به طرز وحشیانه ای سرکوب می کند.

با این همه، اما "نول بامن" «تهران و متحدانش در منطقه» را «مهم ترین متحد فلسطینیان» توصیف می کند. "بدون اسلحه و پول از این منابع، مقاومت نظامی، به ویژه در غزه، مدت ها پیش پایان یافته بود... البته نقش وابستگی مقاومت فلسطین به آن را باید نقادانه دید. با این وجود، ایران در حال حاضر نقش - نهایت مثبت - یک متحد ضروری مقاومت فلسطین را بر عهده می گیرد. به علاوه، جای پرداختن به توصیف خام جمهوری اسلامی به عنوان «فاشیستی» در میان نیست". (۸) پس پرداختن به خصلت و انگیزه های رژیم حاکم ایران به مثابه عامل اصلی جریان پول و سلاح به مقاومت فلسطین، مناسب نیست؟ آیا باور کنیم که "نول بامن" به طور جدی می گوید که رژیم ایران از روی انسانیت محض و برای پیشرفت بشری این کار را می کند؟ آیا بار دیگر جنبش های کارگری و آزادیبخش شاهد استقرار "جمهوری اسلامی" دیگری باشند؟ کدام ده ها هزار انقلابی و دموکرات بدون توجه به تمام تجربیات تاریخی، با شکنجه و مرگ شان بهای این را می پردازند؟ و در مورد "بهترین متحدان"، یا به ظاهر فقدان آن، دقیقاً به عکس چطور؟ ماه هاست که اعتراضات کارگری، زنان و مردمی علیه رژیم در ایران اوج گرفته و ادامه دارد. در دیگر کشور های منطقه نیز مبارزات مردمی و کارگری شعله ور است. به هم پیوستن این نیرو ها در ورای مرز های ملی چطور؟ مبارزه موفق و سرنگونی رژیم فاشیستی حاکم بر ایران به نوبه خود موفقیتی مهم و مشوق و تقویت کننده مبارزه برای آزادی سائر مردم و طبقه کارگر در منطقه خواهد بود.

آنچه توسط "نول بامن" در شعار «اصل علیه اسرائیل بودن است»، مطرح می شود، نسخه اصلاح شده خط مشی فرامرزی فاشیستی ایست که به طور خطرناکی نیرو های فاشیست را بی اهمیت جلوه می دهد، حتی آنها را مترقی توصیف می کند و زمینه را برای آنها آماده می کند؛ به جای این که قاطعانه علیه این دشمنان قسم خورده مبارزه برای آزادی ملی و اجتماعی و همبستگی با مبارزات کارگری و مردمی در ورای مرز های ملی، بایستد.

### **علیه تفرقه سوسیال شوونیستی - پیش به سوی مبارزه برای دولت های سوسیالیستی متحد جهان**

برای "نول بامن" هیچ چشم انداز مثبتی از جهانی بدون استثمار و ستم وجود ندارد که در آن دیگر افراد درجه یکم، دوم یا سوم وجود نداشته باشند. برای او راه حل "استعمار زدائی" فلسطین، از طریق بازگرداندن جمعیت یهودی به سرزمین های سابق که از آنجا آمده اند، مطرح است. او فکر می کند که بسادگی می تواند چرخ تاریخ را به عقب برگرداند. دیدگاه تجدید نظر طلبانه ای که "نول بامن" آن را نمایندگی می کند، ناسیونالیسم خرده بورژوائی ایست که به سان پرده دودی چشم انداز چگونگی و امکانات انجام موفقانه مبارزه رهائیبخش امروز را سد می شود. این مبارزات به قرار زیرین اند:

- مبارزه برای آزادی ملی و اجتماعی مردم فلسطین بر اساس همبستگی طبقه کارگر و توده های میلیونی در سراسر جهان؛

- ساختن یک جبهه متحد قوی ضد امپریالیستی و ضد فاشیستی؛

- رهبری صبورانه مبارزه برای اتحاد کارگری بین کارگران یهودی و عرب و توده های مردمی. با انجام این کار، بر اصل راهنمای جنبش کارگری از زمان مارکس و انگلس در کار متقاعد سازی و اتحاد، تأکید ورزیم: "مردمی که بر دیگران ستم می کنند، خود نمی توانند آزاد باشند"؛

- برای این که توده های فلسطین از باران ستمگری فاشیستی دولت صهیونیستی اسرائیل به زیر ناودان نوع دیگری از ستم فاشیستی مبتنی بر اسلام گرائی نیفتند؛ باید خطر فاشیستی را شناخته و آن را جدی گیرند، حتی اگر در پوششی جدید ظاهر شود؛

- باید احزاب مارکسیست - لنینیست قوی در اسرائیل و فلسطین ایجاد شوند که تغییرات و توسعه در دنیای امپریالیسم را تحلیل کرده و درس های لازم را از خیانت به سوسیالیسم در کشور های سابق سوسیالیستی از سال ۱۹۵۶م به بعد، برای مبارزه طبقاتی انقلابی پرولتاریا و متحدانش، استخراج کنند؛

- "ضد امریکا" یا "ضد اسرائیل" بودن، مترقی و ضد امپریالیست بودن معنی نمی دهد، هر چند که می توان از تضاد های تاکتیکی سود جست. مبارزه ضد امپریالیستی باید علیه کلیت سیستم امپریالیستی باشد و نباید اجازه دهد که در کنار یک دزد امپریالیست بجنگد. هدایت مبارزه برای آزادی اجتماعی و ملی به سمت غلبه بر نظام امپریالیستی و مبارزه برای دولت های متحد سوسیالیستی جهان؛

- رسیدن به این اهداف، مستلزم همکاری هماهنگ بین المللی امروز و تدارک برای فرارسیدن یک انقلاب سوسیالیستی بین المللی، است.

"نوئل بامن" با انتقاد شدید خود از مواضع "ام ال پی دی"، به همبستگی با مبارزات آزادیبخش فلسطین آسیب می رساند. "ام ال پی دی" در المان نیروی اصلی ایست که از بدو تأسیسش، همبستگی بی قید و شرطی در نظر و عمل با مردم فلسطین در مبارزه برای آزادی اجتماعی و ملی شان؛ در مبارزه با افترای «یهودستیزی» یا حملات آشکار از سوی دولت المان تا گروه های تحت تأثیر صهیونیست ها مانند "ضد المان ها"، داشته است و تنها نیروئی است که دیدگاه سوسیالیستی روشنی دارد.

"نوئل بامن" با صراحت توضیح می دهد که "«سازمان کمونیستی» تا به امروز به طور سیستماتیک به این موضوع برخورد نکرده است". از کسی که انتظار کمی تواضع می رود و یا سازمانی که خود را کمونیست می خواند، ابتداء باید در این خصوص به مبانی مارکسیسم- لنینیسم رجوع کرده و از آنها به عنوان مبنای ارزیابی خود از این مسأله، کار بگیرد. چنین رویکردی، مسلماً از مواجه شدن به بن بست خطرناک ناسیونالیسم خرده بورژوائی- نوئل بامن که تا سرحد بی اهمیت جلوه دادن و ترویج همکاری با نیرو های فاشیست پیش می رود، جلوگیری خواهد کرد. اما از آنجائی که "سازمان کمونیستی" کماکان به طور سیستماتیک به این موضوع برخورد می کند، امیدواریم که با شناسائی مسیر اشتباه خود، راه انترناسیونالیسم پرولتری را یافته و در پیش گیرد.

\*\*\*\*\*

**توضیح و ارجاع:**

1- siehe Anlage zu diesem Brief

2- Abspaltung 2018 aus der revisionistischen DKP bzw. SDAJ, ein Teil davon spaltete sich 2022 erneut ab

3-<https://kommunistische-organisation.de/artikel/mit-palaestina-solidarischen-vorsaetzen-in-die-zionistische-hoelle-eine-kritik-an-den-grundlinien-der-mlpd-zum-palaestinensischen-befreiungskampf/>

4-<https://www.mlpd.de/theoretisches-organ-revolutionaerer-weg/briefwechsel-und-dokumente/briefwechsel-und-dokumente/briefwechsel-und-dokumente-von-stefan-engel-zum-system-revolutionaerer-weg#collapse120>)

5- Fokus Jerusalem, 13.12.2022

6-<https://sites.google.com/site/sozialistischeklassiker2punkt0/lenin/1913/wladimir-i-lenin-resolution-ueber-dienationale-frage>

۷- "دن سیائوپن" از پیشنهاد تاکتیکی مائو مفهوم ستراتیژیک در هیأت «تئوری سه جهان» را بافت. وی مدعی شد که مردمان تحت ستم "جهان سوم"، نیروی محرکه انقلابی هستند که چرخ تاریخ جهان را بدون تمایز بین دولت های مرتجع و مترقی، بین طبقات استثمارگر و توده های وسیع و بدون در نظر گرفتن پرولتاریای انقلابی و مبارزه طبقاتی آن، به جلو می رانند. این تئوری در جوهرش، به معنای آشتی طبقاتی و خیانت به انقلاب پرولتری بین المللی بود.

8- Fußnote xxi am Artikel

\* - متن فارسی دری این موضعگیری در لینک زیر قابل دسترس است:

<http://khoroshrad.org/MLOA/MLPD-Basic-Stance-on-Palestine-question-050423.html>